

میرشمس‌الدین ادبیات، سطح عالی و علوم مذهبی را نزد عارف بزرگ به نام سیدمحمد نوربخش آموخت.<sup>۱</sup> او بعد از وفات استادش، زمان زیادی را در مصاحبت عرفای معروف زمان خود مانند شیخ محمود بحرآبادی، حسن کوکنی، شیخ محمود سفلی، برهان‌الدین بغدادی، شمس‌الدین لاهیجی و شاه قاسم نوربخش بود. او به سبب مصاحبت زیاد با عرفا، به مقام روحانی و معنوی بالایی نایل گردید. وی علاوه بر علوم اسلامی و دینی، بر علوم ظاهری و تجربی نیز تسلط کامل داشت. علاوه بر شیعیان، تاریخ‌نگاران اهل سنت و حتی متعصبان آنها نیز نتوانستند شخصیت علمی او را انکار کنند. لذا مورخ حسن و اعظم ددمری، مجبور شدند تا در برابر مقام علمی او، لب به اعتراف بکشایند و با الفاظی چون «میرشمس‌الدین عالمی اجل و دانایی بی‌بدیل بود.» و نیز «میرشمس‌الدین بعضی علوم غریبه را می‌دانست و حسن بیان داشت» از او تعریف و تمجید کنند.<sup>۲</sup>

میرشمس‌الدین دو بار به کشمیر سفر کرد: نخستین بار در سال ۸۸۲ قمری به عنوان سفیر سلطان حسین بایقرا حاکم خراسان به کشمیر آمد و بعد از هشت سال اقامت در کشمیر، دوباره به خراسان بازگشت.<sup>۳</sup> اما چون در این مدت مسئولیت سفیری به عهده داشت، فعالیت دینی زیادی نکرد و فقط توانست عوامل توسعه تشیع را در کشمیر شناسایی کند. اما هنگامی که بعد از دوازده سال، یعنی در سال ۹۰۲ قمری با درخواست شاه قاسم نوربخش به کشمیر آمد، توانست در بعضی از افراد سرشناس نفوذ کند و آنان را به دایره تشیع وارد سازد. ملک‌موسی رینه، کاجی‌چک، حسین‌چک و دولت‌چک معروف‌ترین این افراد بودند. میرشمس‌الدین با فعالیت تبلیغی توانست با کمک ملک‌موسی رینه نخست‌وزیر کشمیر، ۲۴ هزار خانواده هندو را به دایره تشیع هدایت کند.<sup>۴</sup>

### وضعیت دینی و فرهنگی مردم کشمیر هنگام ورود میرشمس‌الدین

قبل از این که درباره فعالیت تبلیغی میرشمس‌الدین بحث کنیم، لازم است مروری کوتاه بر اوضاع دینی و فرهنگی آن زمان کشمیر داشته باشیم.

۱. همان، ص ۸۸.

۲. واقعات کشمیر، ص ۱۲۲.

۳. تاریخ سیدعلی، ص ۴۲؛ قاضی ظهورالحسین، نگارستان کشمیر، ص ۲۴۰؛ تاریخ حسن، ص ۱۲۲؛ غلام‌نبی‌شاه، وجیز التواریخ، ترجمه دکتر محمد یوسف، ص ۱۱۰.

۴. ملک حیدر چاقور، تاریخ ملک حیدر، ص ۱۱۷.

بعد از به حکومت رسیدن «شاه میر» (سال ۷۴۳ ق) در کشمیر، گرچه حاکمان بعد از او مسلمان بودند، با غیرمسلمانان و هندوها مدارا می‌کردند و هیچ‌گونه محدودیتی برای آنان به وجود نمی‌آوردند. هندوها در عقاید مذهبی در کمال آزادی بودند و تمام رسومات را به راحتی به اجرا درمی‌آوردند. تا این‌که سلطان سکندر در سال ۷۹۶ قمری به حکومت رسید. او مسلمانی متعصب و نخستین سلطان کشمیر بود. که قوانین اسلامی را با قاطعیت به اجرا درآورد. او استفاده از الکل و سایر مشروبات مستی‌آور را منع کرد و قمار، رقص با زنان، روسپی‌گری و نواختن آلات موسیقی را ممنوع ساخت و خودکشی زنان بیوه (ستی)<sup>۱</sup> را نیز ممنوع کرد. او چنان بت‌خانه‌ها را ویران کرد که مردم کشمیر لقب «بت‌شکن» به او دادند. بر اثر سخت‌گیری او، تمام مردم کشمیر از صغیر و کبیر - خواه به میل و اختیار و یا به طریق جبر و اکراه - گردن اطاعت در برابر او فرود آوردند.<sup>۲</sup> در دوران سلطنت او، شخصیت‌های برجسته دیگری از جمله میرسیدمحمد همدانی و سیدمحمد مدنی نیز به کشمیر آمدند و مردم علاقه فراوانی به آنان داشتند و وجود اینان در کنار سلطان سکندر، محرک خوبی برای بت‌شکنی او بود.

پس از درگذشت سلطان سکندر، فرزندش علی‌شاه در سال ۸۱۷ قمری زمام امور را به دست گرفت و بعد از او، شاهی‌خان با لقب سلطان زین‌العابدین (متوفای ۸۷۸ ق) حکومت خود را آغاز کرد و تقریباً نیم قرن بر کشمیر فرمان راند. او به نام بدشاه «شاه بزرگ» در کشمیر معروف است. سلطان زین‌العابدین در تاریخ کشمیر، همان موقعیت شاه‌عباس در ایران، سلیمان اعظم در ترکیه عثمانی و اکبرشاه در هند را دارد.<sup>۳</sup> او در روش سیاسی سلطان سکندر بت‌شکن تجدید نظر کرد و با هندوها رفتار خوبی داشت. و خراج و جزیه را نیز از آنها برداشت و معبدهای هندوها را به آنان برگرداند. بت‌خانه‌ها و معبدهایی را سکندر ویران کرده بود دوباره بازسازی کرد. هم‌چنین هندوهایی را که در جریان سلطنت سکندر از کشمیر گریخته بودند، فراخواند و آشکارا آزادی عمومی را برای تمام مذاهب اعلام داشت. او کشتن گاو را تحت تأثیر هندوها دوباره ممنوع اعلام کرد<sup>۴</sup> و اجازه داد

۱. ستی: رسم هندوهاست که اگر شوهر قبل از زنش بمیرد، زن هم به نشانه وفاداری به شوهر باید با او زنده بسوزد. این رسم هنوز هم در بعضی از مناطق هند اجرا می‌شود.

۲. غلام‌حسین جوهری، تاریخ نور بخشیه در کشمیر و بلستان، ص ۷۱.

۳. سیدحمیدرضا ناصری، کشمیر گذشته حال آینده، ص ۴۰.

۴. گاو در مذهب هندوها حیوانی محترم است و جنبه مقدس دارد. لذا کشتن آن در مذهب آنان جایز نیست.

رسم سنی ادامه یابد.<sup>۱</sup> مسلمانان در جشن‌های هندوها شرکت می‌کردند. همچنین رسومات آنها در کشمیر رواج یافت. و علاوه بر عموم مردم، علما، و قاضی‌ها و حتی سادات هم از انجام دادن این رسومات مشترک هیچ اباحی نداشتند.<sup>۲</sup> وضعیت مسلمانان تا آن‌جا وخیم شد که زنان مسلمان، همان کارهایی را انجام می‌دادند که برهنه‌ها (روحانیان هندو) به آنها دستور داده بودند. علما و سادات هم زنان خودشان را از این کارهای خلاف شرع منع نمی‌کردند. لذا در کشمیر فقط اسم مسلمان بود و مسلمانان در عمل و رفتار، هیچ تفاوتی با هندوها نداشتند. این وضعیت تا ورود میرشمس‌الدین ادامه داشت.<sup>۳</sup>

### فعالیت میرشمس‌الدین در کشمیر

میرشمس‌الدین، پس از ورود به کشمیر در سه محور فعالیت کرد:

#### الف) فعالیت‌های تبلیغی

میرشمس‌الدین پس از ورود به کشمیر، با عموم مردم محلی روابط دوستانه برقرار کرد و آنان را با تعالیم و معارف اهل بیت علیهم‌السلام آشنا نمود و به مذهب تشیع دعوت کرد. از آن‌جا که او پیش از این نیز هشت سال در کشمیر زندگی کرده بود،<sup>۴</sup> با فرهنگ و تمدن کشمیری‌ها آشنایی کامل داشت. وی به طرز زندگی قبیله‌ای کشمیری‌ها پی برده بود که تصمیم‌های رییس قبیله پذیرفته شوند. و جامعه کشمیر به سبب سابقه عرفان و گرایش‌های معنوی، خیلی با آن مانوس هستند؛ لذا فعالیت تبلیغی خود را در همین زمینه انجام داد.

فعالیت او در این جهت خیلی واضح است که به جای تبلیغ برای تک‌تک افراد، به رؤسای قبایل و افراد پرنفوذ در دولت و سیاست توجه می‌نمود و آنان را به تشیع دعوت می‌کرد. به همین دلیل، بابا علی نجار، عارف و صوفی برجسته آن دوره، اولین فردی بود که با او بیعت کرد. سپس موسی رینه نخست‌وزیر آن دوره، کاجی‌چک و غازی‌چک، افراد بانفوذ در دولت و سیاست، مذهب میرشمس‌الدین را پذیرفتند و با وی بیعت کردند.<sup>۵</sup> موسی رینه محبت و ارادت خاصی به او یافت و خود را برای هر نوع کمک، در اختیار وی قرار

۱. الطاف‌حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه، فریدونی دولت‌شاهی، ص ۵۲.

۲. حکیم صفدر همدانی، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۲۱.

۳. همان، ص ۲۱؛ بهارستان شاهی، ص ۲۹۹.

۴. واقعات کشمیر، ص ۱۲۱.

۵. تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۹؛ واقعات کشمیر، ص ۱۲۳.

داد. با تلاش میرشمس‌الدین جمعیت زیادی به تشیع پیوستند. و مذهب تشیع روز به روز گسترش یافت.<sup>۱</sup>

## ب) فعالیت‌های فرهنگی

میر عراقی همراه با فعالیت دینی، فعالیت‌های فرهنگی زیادی نیز انجام داد؛ از جمله:

### ۱. ساخت خانقاه<sup>۲</sup> در زدی‌بل

میرشمس‌الدین زمانی که بار اول در سال ۸۸۲ قمری به کشمیر آمد، می‌خواست در منطقه زدی‌بل که حدوداً در فاصله هشت کیلومتری سرینگر، پایتخت کشمیر واقع است، به سبب خوش آب و هوا بودن، و فضای سبز، خانقاه بسازد. اما چون برای ماندن در کشمیر تصمیم نداشت، از این کار صرف نظر کرد. اما زمانی که بعد از دوازده سال بازگشت، این زمین را سلطان فتح شاه پادشاه کشمیر، به موسی رینه نخست‌وزیر خود بخشیده بود و او در آن‌جا زندگی می‌کرد. وقتی موسی رینه از تصمیم قبلی میر با خبر شد، تمام آن زمین را به همراه خانه‌اش به میر بخشید.<sup>۳</sup>

میرشمس‌الدین به ساخت بنا اقدام کرد و برای مصالح آن از مناطق دور و جنگلی، چوب صنوبر تهیه نمود اما در وسط کار، به دلیل مخالفت علمای متعصب اهل سنت و درگیری میر با سیدمحمد بیهقی که به ترک کشمیر انجامید، متوقف گردید. هنگامی که میرشمس‌الدین دو ماه پس از قتل سیدمحمد بیهقی به کشمیر برگشت، کار ساخت خانقاه را از سرگرفت و خانقاهی با عظمت و جلالت، ساخت که روی زمین نظیر نداشت<sup>۴</sup> و در اطراف خانقاه، حمامی ساخته شد که یکی از عجایب فن معماری بود. این حمام بدون سوزاندن هیزم تا مدتی زیاد گرم می‌ماند.<sup>۵</sup> تاریخ خانقاه به این نحو نوشته شده است:

بنیت هذه البتعة الموسومة المتبركة الشريفة الشمسية النوربخشيه في التاريخ سنة

تسع و تسعمائة من الهجرة النبوية عليه الصلوة و التحية<sup>۶</sup>

۱. تاریخ ملک حیدر، ص ۱۱۷.

۲. خانقاه اکنون در ابران و در بعضی از جاها، بار منفی به همراه دارد، اما در کشمیر، خانقاه هنوز نیز جایگاهی متبرک و مقدس تصور می‌شود و عموم مردم برای دعا و نیایش و نیز برای طلب حوائج به آن‌جا مراجعه می‌کنند.

۳. بهارستان شاهی، ص ۱۹.

۴. همان، ص ۷۲؛ سیدمحمد باقر موسوی، اختر درخشان، ص ۲۸.

۵. سیدباقر معر که دار، نسخه‌الصفویه، ص ۷۲-۷۳؛ بهارستان شاهی، تنظیم دکتر اکبر حیدری، ص ۷۲.

۶. همان، ص ۷۶؛ محمدعلی کشمیری، تحفة الاحباب، ترجمه محمدرضا آخوندزاده؛ تاریخ نوربخشیه در کشمیر و بلتستان، ص ۷۷.

## ۲. بازسازی خانقاه میرسیدعلی همدانی

خانقاهی که سلطان سکندر بتشکن (۷۹۶ ق.) آن را برای میرسیدعلی همدانی ساخته بود، علاوه بر کوچک بودن، در اثر آتش‌سوزی‌های متعدد آسیب زیادی دیده بود. به همین دلیل، میرشمس‌الدین برای گسترش آن و برای محفوظ ماندن آن از آتش‌سوزی‌های مجدد، تمام خانه‌های اطراف خانقاه را خرید. سپس خانقاه را بازسازی کرد. حیاط آن را نیز وسعت داد. به‌علاوه، یک غذاخوری<sup>۱</sup> برای مستمندان، و فقیران در کنار آن درست کرد و تولیت این خانقاه را نیز در دست داشت.<sup>۲</sup>

## ۳. ساخت مسجد

از کارهای معمول میرشمس‌الدین ساخت مسجد به‌جای بت‌خانه بود. او مساجد زیادی در کشمیر بنا کرد. اما اطلاعات زیادی در این باره در منابع نیامده است.

## ۴. احیای فرهنگ جهاد

از برجسته‌ترین صفات میر این بود که در دست او همواره همراه قلم، شمشیر نیز وجود داشت<sup>۳</sup> و این صفت در عالمان کمتر دیده شده است. بر اساس منابع تاریخی، مردی دلاور و با همتی بلند بود. در میدان جنگ پیشاپیش سپاهیان حرکت می‌کرد و در فنون جنگی نیز ید طولایی داشت. وقتی وارد جنگ می‌شد مانند شیر به دشمنان اسلام حمله می‌کرد و وقتی جراحتی به بدن او می‌رسید، بدون توجه به آن تا پایان جنگ، به مبارزه ادامه می‌داد. مریدانش هم وقتی شجاعت او را در میدان جنگ می‌دیدند، نیرو می‌گرفتند و از جان خود گذشته، پروانه‌وار دور او می‌گشتند. آنان میدان را تا رسیدن به پیروزی، ترک نمی‌کردند و معمولاً این درگیری‌ها هنگام تخریب بت‌خانه‌هایی صورت می‌گرفت که به مراکز فحشا شده بودند. بزرگ‌ترین این درگیری‌ها در نواحی سرینگر و در منطقه‌ای به‌نام ذال ڈگر اتفاق افتاد. در آنجا بت‌خانه معروف هندوها به‌نام باخی‌رینو وجود داشت که مرکز اصلی فساد و فحشا بود. میرشمس‌الدین این بت‌خانه را تخریب کرد و سپس اسم آن منطقه را اسلام پور گذاشت<sup>۴</sup> در این جنگ مریدان و شاگردان او نیز از جمله موسی رینه و

۱. بهارستان شاهی، ص ۶۱

۲. همان.

۳. همان، ص ۵۶؛ تاریخ نور بخشیه در کشمیر و بلتستان، ص ۷۲.

۴. بهارستان شاهی، ص ۵۶-۵۷.

قاضی محمد قدسی حضور داشتند. علاوه بر آن، او با افراد مرتد نیز می‌کرد تا آنان را هدایت کند.

### ۵. انهدام بت‌خانه<sup>۱</sup> و ساخت مسجد و خانقاه به جای آن

در زمان حکومت سلطان سکندر بت‌شکن، قوانین اسلامی در کشمیر رایج شده بود، اما بعد از او به‌ویژه در دوره سلطان زین‌العابدین، بت‌پرستی و فرهنگ ضد اسلامی دوباره به کشمیر بازگشت و علاوه بر بازسازی بت‌خانه‌های ویران شده، بت‌خانه‌های زیادی ساخته شد.<sup>۲</sup> میرشمس‌الدین وقتی دریافت که این بت‌خانه‌ها بزرگ‌ترین مانع پیش‌رفت اسلام هستند و چون هندوها علاوه بر فعالیت ضد اسلامی در آنها، علیه مسلمانان نیز توطئه می‌کنند تصمیم به تخریب آنها گرفت. وی بت‌خانه‌های زیادی را ویران کرد تا این‌که «مکسرالاصنام» لقب گرفت.<sup>۳</sup> منابع به تعداد ۳۹۴۳ بت‌خانه اشاره می‌کنند که به دست او تخریب شد. سیدانیس کاظمی، پژوهش‌گر معروف کشمیری در این باره می‌نویسد:

میرشمس‌الدین عراقی در تخریب و شکستن بت‌خانه به مقام و جایگاهی دست یافت که از صدر اسلام تاکنون کسی به آن دست نیافته است. او در کشمیر و تبت (لداخ) ۳۹۴۳ بت‌خانه را خراب و ویران کرد و جای آنها مساجد و دیگر بناهای اسلامی ساخت.<sup>۴</sup>

ممکن است این گفته، اغراق‌آمیز باشد. اما بی‌شک کارهای که وی برای تبلیغ اسلام، بی‌سابقه است. باوجود این، در منابع کشمیری به علت تعصب و دشمنی با شیعه، به فعالیت او چندان اشاره نشده است و او را فقط مؤسس تشیع در کشمیر ذکر کرده‌اند. علاوه بر تاریخ‌نگاران اهل سنت، شیعیان نیز در این زمینه کوتاهی نموده‌اند و تاکنون حتی یک کتابچه مستقل درباره او و فعالیت‌هایش چاپ نکرده‌اند. به همین دلیل، میرشمس‌الدین هنوز هم بین شیعیان ناشناخته است.

### ۶. ایراد خطبه به اسم دوازده امام

میر با فعالیت دینی و فرهنگی خود توانست موقعیتی را به وجود آورد که در مسجد جامع و دیگر مساجد کشمیر، به اسم امامان شیعه خطبه خوانده شود.<sup>۵</sup> ایراد خطبه به اسم

۱. گفتنی است که این بت‌خانه‌ها در کشمیر، به مراکز فساد و فحشا تبدیل شده بودند.

۲. بهارستان شاهی، ص ۴۶.

۳. همان.

۴. میرشمس‌الدین عراقی بت‌شکن، ص ۱۴.

۵. بهارستان شاهی، ص ۳۵۸.

دوازده امام دلیل کافی برای موفقیت فعالیت تبلیغی اوست؛ زیرا با آن که مبلغان شیعی پیش از آن نیز به کشمیر آمده بودند، مذهب تشیع در اقلیت بود. و میرشمس‌الدین توانست تشیع را چنان گسترش دهد که خطبه به اسم دوازده امام ایراد شود.

بعد از میرشمس‌الدین، میرزا حیدر را خواندن خطبه به اسم دوازده امام ممنوع اعلام کرد. منابع تاریخی این واقعه را چنین آورده‌اند:

از ترس تهدیدات و تخویفات میرزاحیدر، هیچ کس از مردم این ممالک نام ائمه معصومین علیهم‌السلام بر زبان نمی‌توانستند بیاورند<sup>۱</sup>

همان‌طور که اشاره شد، این خطبه علاوه بر مسجد جامع، در مساجد دیگر کشور نیز ایراد می‌شد. در بهارستان شاهی آمده است:

در زمان دولت‌چک باز به‌طریقه‌ای که در زمان حیات میرشمس‌الدین محمد عراقی خطبه می‌خواندند، در مسجد جامع و هم در جاهای دیگر، خطبه به اسم دوازده امام علیهم‌السلام می‌خواندند.<sup>۲</sup>

#### ۷. اعزام مبلغ به مناطق دورافتاده

اعزام مبلغ به مناطق محروم و دورافتاده، یکی دیگر از فعالیت‌های میرشمس‌الدین برای گسترش اسلام است. او هر جا بت‌خانه‌ای را ویران می‌کرد، جای آن مسجد می‌ساخت و یکی از شاگردان خود را برای تبلیغ در آن‌جا مستقر می‌کرد تا مردم آن منطقه، از تعالیم اسلامی بهره‌مند شوند.<sup>۳</sup> او حتی برای مخارج مسجد و مبلغ نیز چاره‌ای می‌اندیشید.

با تلاش میر، تشیع در کشمیر مستحکم شد. در منابع آمده است:

تلاش میر و مرید او موسی رینه موجب گرایش ۲۴ خانواده به تشیع شد.<sup>۴</sup>

این مطلب را برخی منابع اهل سنت نیز تأیید کرده‌اند.<sup>۵</sup>

قاضی نورالله شوشتری، که ۷۳ سال پس از درگذشت میر، در سال ۱۰۰۵ به کشمیر آمد، درباره جمعیت کشمیر چنین گزارش می‌دهد:

۱. همان، ص ۱۳۰ و ص ۲۵۷.

۲. ص ۱۳۰ و ص ۲۵۸.

۳. تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۲۱.

۴. شیعه در هند، ۲۷۸.

۵. نک: آب کوثر، ص ۲۸۲.

ساکنان شهر بسیار با صفا و دوست‌داشتنی شهاب‌الدین پور و نیز ساکنان باسوکه پرگنه مرکب از ۲۱۰ روستا، شیعه هستند. و شیعیان در روستاهای مختلف نیز یافت می‌شوند.<sup>۱</sup>

محمدعلی کشمیری نیز رقم ۲۴ هزار خانواده شیعه شده را تایید می‌کند. او درباره ختنه کردن و سر تراشیدن نومسلمانان، که به دستور میر صورت می‌گرفت، می‌نویسد:

روزی در آخر شب، آرایش‌گرها که نومسلمانان را ختنه می‌کردند، حساب کردند، دیدند در آن روز، از پانصد تا هزار نفر را ختنه کرده‌اند.<sup>۲</sup>

این بر گسترش شیعیان در آن دوره دلالت می‌کند.

### ج) فعالیت علمی

میرشمس‌الدین علاوه بر گسترش تشیع، نسبت به تربیت مبلغان و شاگردان توجه خاصی داشت. طبق اشاره *تحفة الاحباب و بهارستان شاهی*، میرشمس‌الدین هزاران شاگرد داشت، که هم‌راه او برای تبلیغ و ترویج دین اسلام فعالیت زیادی انجام می‌دادند؛ اما اسم همه آنها در تاریخ ثبت نشده است، بلکه فقط اسامی بعضی از آنها را در حوادث بعدی می‌بینیم. به همین دلیل، فقط به ذکر اسامی این شخصیت‌ها اشاره می‌کنیم: مولانا جنید، مولانا کمال، مولانا زیرک، مولانا باشمس گنایی، مولانا حاجی بایزید، مولانا خلیل‌الله، مولانا عثمان گنایی، مولانا سیف، مولانا عبدالرحمن، مولانا میرحسین، ملا بابا علی، ملا جوهر، ملا محمد امام، خواجه رفیق، مولانا سیدافضل حافظ محمود کیانی، ملا حسن عودی، ملا درویش محمد قاضی، محمد قدسی، مولانا سید احمد، مولانا سعید، مولانا سعدالله، دلو صوفی، مولانا حاجی علی، صوفی جمال، تاج‌الدین خادم، مولانا محمد گنایی، مولانا ناصر، مولانا حافظ بصیر، مولانا امیر سید بدر و مولانا نصرت.<sup>۳</sup>

### وفات میرشمس‌الدین عراقی

درباره چگونگی فوت میرشمس‌الدین بین تاریخ‌نگاران شیعه اختلاف وجود دارد. بعضی‌ها به فوت طبیعی او قائل هستند، اما برخی گفته‌اند که او توسط دشمنان شهید شده

۱. مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۱۱۸.

۲. تحفة الاحباب، ص ۵۱.

۳. بهارستان شاهی، مقدمه، ص ۸۰.



است. در مورد تاریخ وفاتش نیز بین علما اختلاف وجود دارد. در منابع تاریخی کهن شیعیان مانند *تحفه الاحباب*، *بهارستان شاهی* و *تاریخ ملک حیدر چادوره* نیز در این باره چیزی نیامده است. در خانقاه جدیبل<sup>۱</sup> هم کتیبه‌ای وجود ندارد که تاریخ وفاتش در آن درج شده باشد. اما شجره‌نامه‌ای که در دست خانواده وی وجود دارد، سال وفات او را ۹۳۲ قمری نوشته‌اند و علما و پژوهش‌گران هم آن را تأیید می‌کنند. علمای فعلی نیز سال وفات او را همان ۹۳۲ قمری می‌دانند.<sup>۲</sup> کتابی که سرگذشت خانواده میرشمس‌الدین عراقی را بیان می‌کند، به شبهات او اشاره می‌نماید. دکتر اکبر حیدری از آن کتاب چنین نقل می‌کند که ملاسعید اشرف خواهرزادهٔ ملامحمدباقر مجلسی، با خانم زینب‌النساء دختر پادشاه اورنگ‌زیب به کشمیر آمد. او اشعاری را در قالب مرثیه بر وفات میرشمس‌الدین سروده است. او در دو بیت به این موضوع اشاره می‌کند:

چون شهادت یافته ید از شاه شهیدانش به ارث

شد شهید به تیغ ناپاکی از شمر ارزل است

سائلی پرسید از تاریخ سال فوت او

گفتمش در اول شهر ربیع الاول است

سیدانیس کاظمی، نویسنده و شاعر برجستهٔ کشمیر و نیز آقای سیدعلی موسوی، اعتقاد دارند که میرشمس‌الدین شهید شده است. سیدانیس کاظمی برای اثبات مدعای خود، به وضعیت موجود در آن دوره اشاره می‌کند که بین دو نفر از خانواده سلطان برای به‌دست گرفتن قدرت، دعوا و اختلاف و حتی درگیری بود. کاجی‌چک که از شاگردان و مریدان خاص میرشمس‌الدین به‌شمار می‌رفت و نخست‌وزیر سابق هم بود، به مقتضای زمان گاهی با محمدشاه و گاهی با فتح‌شاه که هر دو مدعی قدرت بودند، همراهی می‌کرد. لذا بعضی از اعیان شهر و افراد ذی‌نفوذ به‌سبب دورویی کاجی‌چک، هم با او دشمن شدند و هم با میرشمس‌الدین. احتمال می‌دادند که کاجی‌چک به فرمان میرشمس‌الدین این کارها را انجام می‌دهد. لذا به کشتن هر دو نفر تصمیم گرفتند. و هر دو را در تاریکی شب به قتل رساندند.<sup>۳</sup>

۱. محل دفن میرشمس‌الدین عراقی.

۲. *بهارستان شاهی*، مقدمه، ص ۸۴؛ *تاریخ شیعیان کشمیر*، ص ۲۱؛ *شیمه در هند*، ص ۲۷۹.

۳. انیس سیدکاظمی، *چاند میری زمین پهول میرا وطن*. بابا پبلی کیشن رعناواری سرینگر کشمیر. ص ۱۸.

سیدعلی موسوی نیز می‌گوید:

در این اوان و دعویه‌داران تخت و تاج محمدشاه و فتح‌شاه، وادی امن و سلامتی را مرکز فتنه و فساد و جنگ و عناد ساخته، مردمان بعضی طرف‌داران محمدشاه و بعضی از هواداران فتح‌شاه گردیدند. کاجی‌چک وزیر که از ارادت‌مندان قطب عالم میرشمس‌الدین عراقی قدس سره بود، جهان‌گیر پر رو و شنکور رینه از هواخواهان فتح‌شاه بودند، امرا عصر و کبار دهر در حق وزیر کاجی‌چک سعایت نمودند از مساعدت او انحراف و از طریق ائتلاف اختلاف ورزیدند. کاجی‌وزیر خود را از فتنه و آشوب بازداشته از ارض کشمیر حینت عن التزویر رخت سفر بسته به‌طرف دیگر مسافرت نمود. محمدشاه از اعیان شهر استصواب نمود. چون اغلب مردمان با حضرت میر عرش‌پیما و متبعینش شرارت مذهبی داشتند، همگی اشارت قتل ایشان دادند. گروهی از قبیله ماگریان را به‌سرکردگی علی رینه به شیخون خانقاه آن حضرت، دلیر و مستعد نمودند. آن حضرت با متبعینش خود مشغول تہجد بودند. آہ از ظلم نواصب و مروانیان که آن اهل کین بر سید صالحین و دیگر سادات و مؤمنین در سحر جمعه‌المبارک تاخته، قریب به سی نفر را به جنت عرضها السموات و الارض فرستادند و کان ذلک فی اول ربیع المولود اثنائہ ثلاثین و تسع مائة. علی‌الصباح معتقدان اهل دین و صلاح براین واقعه مضجعه را اطلاع یافتند، گریه‌کنان و نوحه‌خوانان بعضی سینه خراشیده و کسی روی تراشیده به‌خانقاه آن حضرت آمده، جمله شہدای دین را محول به‌زمین در خانقاه میرشمس‌الدین نمودند. دشمنان اهل ایمان و وارثان آل ابی سفیان - علیہم‌اللعنۃ و الخذلان و اکہم فی النیران در آن روز جگرسوز متبعین آن حضرت را یک‌یک گرفته به‌مالک حقیقی سپردند.<sup>۱</sup>

با توجه به وضعیت آن زمان و بغض و کینه و حسد عموم اهل سنت به‌ویژه علما و صوفی‌ها نسبت به میرشمس‌الدین، و نیز دشمنی سیاست‌مداران شکست‌خورده و دشمنی و کینه نومسلمانان که پدران و اجدادشان به‌دست میرشمس‌الدین و شاگردانش کشته شده بودند. احتمال شہادت میر به دست آشوب‌طلبان، قوی تر است.

## نتیجہ

پیش از میرشمس‌الدین عراقی، علما و بزرگان زیادی که از لحاظ عقیده و مذهب پیرو مذهب تشیع بودند، از جاهای مختلف دنیا به‌ویژه ایران به کشمیر آمدند و در همین جا نیز از دنیا رفتند. اما غیر از شرح حال کوتاهی از زندگی‌شان، فعالیت دیگری از آن‌ها در منابع

ذکر نشده است. به همین دلیل، می‌توان گفت که آنان نتوانستند مانند میرشمس‌الدین عراقی کار تبلیغی خویش را پیش ببرند؛ در نتیجه، اثر تبلیغی آنان در همان مناطق خودشان محدود ماند. به‌خاطر گسترده نبودن آثار تبلیغی علما، تاریخ، میرشمس‌الدین عراقی را به‌عنوان نخستین مبلغ شیعه در کشمیر معرفی می‌کند. او تمام توان خود را برای گسترش تشیع در کشمیر به‌کار گرفت. و آن را در سراسر کشمیر رواج داد و در اندک زمانی با تلاش و زحمت وی تشیع، مذهب رسمی کشور اعلام شد.

## منابع

۱. الطاف، حسین کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولت‌شاهی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲ ش.
۲. اکرم، محمد، آب کوثر، اداره ثقافت اسلامیہ، ۲ کلب روز لاهور ۲۰۰۲ م.
۳. جوهری، غلام حسین، تاریخ نور بخشیه در کشمیر و بلتستان.
۴. حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم: احمد شمس الدین، ۴ جلد، ناشر جامو ایند کشمیر اکادمی آف آرٹ کلچر ایند لینگویجز سرینگر، سال ۲۰۰۲.
۵. دذمری، محمداعظم، واقعیات کشمیر، ترجمه، احمد شمس الدین، جامو ایند کشمیر اسلامیک سنتر سرینگر کشمیر.
۶. رضوی، سید اطہر حسین، شیعہ در ہند، دفتر تبلیغات اسلامی حوزہ علمیہ قم، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۶ ش.
۷. رضوی، علی حسین، تاریخ شیعان علی، عباس بک ایجنسی رستم نگر لکھنؤ انڈیا، ۱۴۲۳ ق. برابر با ۲۰۰۱ م.
۸. شوشتری، قاضی نور اللہ، مجالس المؤمنین، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامیہ، ۱۳۷۷ ش.
۹. کشمیری، محمد علی، تحفۃ الاحباب، ترجمه، محمدرضا آخوندزاده، شاه ایند سنز فچیتر جی رود اردو بازار لاهور.
۱۰. کاظمی، سید انیس، چاند میری زمین پھول میرا وطن، بابا پیلی کیشن رعناواری سرینگر کشمیر.
۱۱. مجهول المؤلف، بہارستان شاهی، تنظیم دکتر اکبر حیدری، ناشر انجمن شرعی شیعان جامو و کشمیر، ۱۹۸۲ م.
۱۲. موسوی، سید محمد باقر، اختر درخشان، اکرم حسین پریس پرہلاء گہات بنارس ہند.
۱۳. موسوی، سید علی، کحل الجواهر، ناشر مطبع اسلامی لاهور ۱۲۶۴ ق.
۱۴. ملک حیدر، تاریخ ملک حیدر چادورہ، منتشر نشدہ.
۱۵. معرکہ دار، سید باقر، نسخۃ الصفویہ، زد دی بل سرینگر، منتشر نشدہ.

۱۶. قاضی ظهورالحسن، نگارستان کشمیر، ناشر شیخ محمدعثمان ایند تاجران کتب، سرینگر کشمیر.
۱۷. شاه‌غلام‌نبی، وجیز تاریخ، ترجمه اردو، مترجم: دکتر محمد یوسف، ناشر شالیمار آرت پرس ریدکراس سرینگر کشمیر، فوریه ۲۰۰۷م.
۱۸. ناصری، سیدحمیدرضا، کشمیر، گذشته، حال، آینده، تهران: انتشارات ذکر ۱۳۷۹ ش.
۱۹. همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، امام حسین ریسرچ ایند پبلشنگ سنتر سرینگر کشمیر

## **The role of Mir Shamsuddin Iraqi in spread of Shii'sm in Kashmir**

*Ghulam Muhammad Mito (Golzar)\**

### **Abstract:**

Mir Shamsuddin Iraqi was born in Solghan of Iran and came to Kashmir twice. The first time he came in Kashmir was in 822 A.H as an ambassador of Mirza Hussein Bayqra the ruler of Khorasan. He after 8 years of residence in Kashmir returned to Khorasan. His second visit of the region goes to the year 902 A.H which was carried out in response to Qasem Noorbakhsh's request.

In this round he had come for preaching of Islam and Shii'sm in Kashmir and did it well with all his abilities and full determination. Moreover, in this regard and stage, he crossed all the obstacles and could do the things which were unprecedented in the region. He in the first phase of his activities could enter the influential figures in the Shiite circle and then through their contribution in particular the prime minister of Kashmir Malik Musa Rinah could guide 24 thousand Hindus family toward Shii'sm. In a very short period he could make a sermon widely known in exhortation of Shiite infallible Imams in Kashmir's mosques.

**Keywords:** Kashmir, Mir Shamsuddin Iraqi, chaks, Shiites of Kashmir.

---

\* M.A. in the history of Islam, Kashmir.

puppet Pashton parties. Since the groups such as Islamic faction headed by Golbaden Hikmatyar could no longer provide the Pakistan's national interests and demands, she decided to form a new faction and to study Taliban movement from this perspective would appear to be noteworthy. Nonetheless, the skirmishes and disputes of the internal parties have also paved the background for Pakistan's influence and efficiency in a higher level. As a result, Taliban emerged in 1994 and till September 2001 could conquer most part of Afghanistan's territory.

**Keywords:** Taliban, Pakistan, great powers, civil wars, cold war